رضایت از دموکراسی در سال‌های اخیر در کشورهای پردرآمد کاهش معناداری یافته است

چرا مردم از دموکراسی‌ها ناراضی‌اند؟

فرانسیس فوکویاما نظریه‌پرداز آمریکایی، کمی پس از نگارش کتاب «هویت» در واکنش به چرایی پیروزی دونالد ترامپ، در سال ۲۰۲۲ کتاب «لیبرالیسم و ناراضیانش» را نوشت تا در آن از لیبرالیسم در برابر منتقدان راست پوپولیست و چپ مترقی دفاع و از نئولیبرالیسم و سیاست هویتی انتقاد کند. او به افزایش حدود ۳ هزار درصدی بازدهی هر فرد، از سال ۱۸۰۰ تا ۲۰۲۲ را نشانه عملکرد لیبرالیسم کلاسیک خوانده است؛ لیبرالیسمی که توانست با پیوند خوردن به دموکراسی علاوه بر رشد اقتصادی، برابری اجتماعی را نیز افزایش دهد و دوره ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ را تبدیل به ماه‌عسل لیبرال دموکراسی کند. با این حال اما فوکویاما از افراط در تفکرات اقتصادی و تبدیل لیبرالیسم به «نئولیبرالیسم» به‌عنوان یک اشتباه یاد کرده و نوشته که «نئولیبرالیسم با تشدید نابرابری و بی‌ثباتی مالی، لیبرال دموکراسی را تهدید کرد» تا «لیبرالیسم چپ با روی آوردن به سیاست هویت مدرن شروع به تضعیف خود لیبرالیسم کرد.» صرف‌نظر از اینکه فوکویاما در این کتاب و حتی کتاب هویت و سایر گفتارهایش، تلاش دارد با تراشیدن توجیه، ناکارآمدی ایده اصلی خود که لیبرالیسم پایان تاریخ است را پنهان کند، او صراحتا به تضعیف دموکراسی در غرب اشاره کرده است. کارشناسان اما می‌گویند رضایت از دموکراسی‌ها حتی در کشورهای با درآمد بالا نیز کاهش قابل توجهی داشته است. آنها به جز نابرابری‌های اقتصادی، قطبی شدن سیاسی، بی‌اعتمادی نهادی، نفوذ رسانه‌های اجتماعی و چالش‌های جهانی را از دلایل کاهش تمایل به دموکراسی در کشورها برشمردند. یک گزارش درباره وضعیت دموکراسی در سال ۲۰۱۹ در ۱۵۴ کشور نشان می‌دهد جهان «بالاترین سطح نارضایتی دموکراتیک» را از سال ۱۹۹۵ تجربه کرده است. براساس گزارش رضایت جهانی از دموکراسی که بزرگ‌ترین مجموعه داده‌ای در مورد نگرش جهانی به دموکراسی است، نارضایتی از سیاست دموکراتیک در میان شهروندان کشورهای توسعه‌یافته از یک‌سوم به نیمی از کل افراد در ربع قرن گذشته افزایش یافته است. در واقع، محققان دریافتند در سراسر کره‌زمین -از اروپا تا آفریقا و همچنین آسیا، استرالیا، هر دو قاره آمریکا و خاورمیانه- سهم افرادی که می‌گویند از دموکراسی «ناراضی» هستند از اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌طور قابل توجهی افزایش یافته و از ۴۷٫۹ درصد به ۵۷٫۵ درصد افزایش یافته است. در این گزارش از مجموعه داده منحصربه‌فرد بیش از ۴ میلیون نفر استفاده شده است. این شامل بیش از ۲۵ پروژه نظرسنجی بین‌المللی است که ۱۵۴ کشور را بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ پوشش می‌دهد. دکتر روبرتو فوآ، نویسنده اصلی این گزارش، از دپارتمان سیاست و مطالعات بین‌المللی کمبریج (POLIS) گفته که «در سراسر جهان، دموکراسی در وضعیت ناخوشایندی قرار دارد. ما متوجه شدیم که نارضایتی از دموکراسی در طول زمان افزایش یافته است و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته به بالاترین حد جهانی رسیده است.» بسیاری از دموکراسی‌های بزرگ اکنون در بالاترین سطح ثبت شده خود از نظر نارضایتی دموکراتیک هستند. اینها شامل بریتانیا، استرالیا، برزیل، مکزیک و همچنین ایالات‌متحده می‌شود، جایی که نارضایتی از دهه ۱۹۹۰ یک‌سوم افزایش یافته است. کشورهای دیگری که همچنان به بالاترین میزان نارضایتی خود نزدیک هستند عبارتند از ژاپن، اسپانیا و یونان.

با این وجود اما مردم در سراسر جهان همچنان معتقدند دموکراسی روش خوبی برای اداره کشورشان است اما نظرسنجی مرکز تحقیقات Pew نشان می‌دهد، بسیاری از مردم از نحوه عملکرد دموکراسی ناراضی هستند و در چندین دموکراسی پردرآمد، نارضایتی در حال افزایش بوده است. ریچارد وایک و جانل فترولف در این باره نوشتند که از سال ۲۰۱۷، مرتبا از مردم در ۱۲ دموکراسی پیشرفته اقتصادی پرسیده‌اند که چقدر از وضعیت دموکراسی خود راضی هستند؟ آنها از کاهش رضایت از دموکراسی‌ها در این کشورها بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ خبر داده و نوشته‌اند از سال ۲۰۲۱، مردم این کشورها از دموکراسی خود ناامیدتر شده‌اند. به‌طور میانگین در این ۱۲ کشور، ۴۹ درصد از نحوه عملکرد دموکراسی آنها در سال ۲۰۲۱ راضی بودند. امروز اما فقط ۳۶ درصد این دیدگاه را دارند. نظرسنجی مرکز پیو می‌گوید امروز رضایت از دموکراسی‌ها کمتر از سال ۲۰۲۱ در ۹ کشور از ۱۲ کشوری است که آنها به‌طور مداوم این سوال را پرسیده‌اند. از این ۱۲ کشور در شش کشور، رضایت از دموکراسی کاهش دو رقمی داشته است. این ۶ کشور کانادا، آلمان، یونان، کره‌جنوبی، بریتانیا و ایالات‌متحده هستند.

امروزه رضایت از دموکراسی چگونه متفاوت است؟

مرکز پیو اعلام کرده که علاوه‌بر ۱۲ کشوری که به‌طور مداوم در مورد رضایت از دموکراسی در طول زمان در آنجا نظرسنجی کرده است، در سال ۲۰۲۴، در ۱۹ کشور دیگر نیز سوال میزان رضایت از دموکراسی‌ها را پرسیده‌اند. از ۳۱ کشوری که در بهار ۲۰۲۴ در این نظرسنجی شرکت کردند، میانگین ۵۴ درصد می‌گویند از دموکراسی خود ناراضی هستند، درحالی‌که ۴۵ درصد از آن راضی هستند. با نگاهی به مناطق مختلف، نظرات در اروپا بسیار متفاوت است: ۷۵ درصد از سوئدی‌ها از دموکراسی خود راضی هستند، درحالی‌که تنها ۲۲ درصد در یونان از دموکراسی خود راضی هستند. همین امر در منطقه آسیا و اقیانوسیه نیز صادق است، جایی که بیش از سه‌چهارم هندی‌ها و سنگاپوری‌ها -اما فقط ۳۱ درصد ژاپنی‌ها- از نحوه عملکرد دموکراسی خود راضی هستند. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا و آمریکای لاتین، حدود دوسوم یا بیشتر نظرات منفی در مورد دموکراسی‌های خود ابراز می‌کنند (آفریقای جنوبی، شیلی، کلمبیا و پرو).

مرکز پیو در بررسی خود، به این جمع‌بندی رسیده که اینکه مردم چه احساسی نسبت به نحوه کارکرد دموکراسی دارند، به‌شدت به نحوه عملکرد اقتصادشان مرتبط است. در تمام ۳۱ کشور مورد نظرسنجی، افرادی که به اقتصاد ملی نمره منفی می‌دهند، بیشتر از کسانی که به آن نمره مثبت می‌دهند، از دموکراسی خود ناراضی هستند. به‌طور مشابه، احساس مردم نسبت به حزب حاکم در کشورشان با ارزیابی آنها از دموکراسی مرتبط است. در ۲۷ کشور، حامیان حزب حاکم یا ائتلاف احتمالا می‌گویند که از نحوه کارکرد دموکراسی خود راضی هستند. در هشت کشور (آرژانتین، شیلی، فرانسه، آلمان، هلند، لهستان، اسپانیا و ایالات‌متحده) افراد با تحصیلات کمتر نسبت به افراد دارای تحصیلات بیشتر از نحوه عملکرد دموکراسی در کشور خود رضایت کمتری دارند. در هفت کشور (آرژانتین، شیلی، کلمبیا، آلمان، پرو، سنگاپور و کره‌جنوبی) بزرگسالان زیر ۳۵ سال در مقایسه با سنین ۵۰ سال و بالاتر از دموکراسی رضایت بیشتری دارند. در سایر کشورهای مورد بررسی، تفاوت‌های کمی از نظر سطح تحصیلات یا سن وجود دارد.

چه چیز می‌تواند دموکراسی را بهبود بخشد؟

مرکز پیو در یک نظرسنجی دیگر تلاش کرده با این پرسش که «چه چیز می‌تواند دموکراسی را بهبود بخشد؟» از ۲۰ فوریه تا ۲۲ می ۲۰۲۳ به سراغ جامعه آماری ۳۰ هزار نفری در ۲۴ کشور با ۳۶ زبان مختلف دنیا برود. بر پایه گزارش لورا سیلور، مویرا فغان، کریستین هوانگ ولورا کلنسی، نظرسنجی‌های مرکز تحقیقات پیو مدت‌هاست که نشان داده است مردم در بسیاری از کشورها از دموکراسی خود ناراضی و خواهان تغییرات اساسی در سیستم‌های سیاسی خود هستند؛ و امسال نیز از این قاعده مستثنی نیست. آنها تصمیم گرفتند نظرات مردم را با یک سوال که «به نظر شما چه چیزی می‌تواند به بهبود روش دموکراسی در کشور شما کمک کند؟» جمع‌آوری و بررسی کنند. پس از جمع‌آوری نظرات، آنان متوجه شدند که بین اولویت‌های دوم و سوم مردم در بهبود دموکراسی فاصله بسیار زیادی است. در اکثر کشورهای مورد بررسی، یک پاسخ روشن وجود داشت: «دموکراسی را می‌توان با سیاستمداران بهتر یا متفاوت بهبود بخشید.»

مردم سیاستمدارانی را می‌خواهند که به نیازهای آنها پاسخگو بوده و شایسته‌تر و صادق‌تر باشند. پاسخ‌دهندگان همچنین فکر می‌کنند که شهروندان می‌توانند دموکراسی خود را بهبود بخشند. در اکثر ۲۴ کشور مورد بررسی، مسائل مربوط به مشارکت عمومی و رفتارهای متفاوت از خود مردم یکی از پنج اولویت اصلی است.

اصلاحات اقتصادی، به ویژه اصلاحاتی که اشتغال را افزایش می‌دهد و اصلاحات دولتی، ازجمله تنظیم توازن قدرت بین نهادها موضوعات دیگری بودند که به طور مرتب مطرح می‌شدند. مردم در چندین کشور، عمدتا در کشورهای با درآمد متوسط مورد بررسی (آرژانتین، برزیل، هند، اندونزی، کنیا، مکزیک، نیجریه و آفریقای جنوبی) بر اصلاحات اقتصادی به عنوان ابزاری برای بهبود دموکراسی تاکید دارند. به عنوان مثال، در هند و آفریقای جنوبی، این موضوع در میان ۱۷ موضوع اساسی، رتبه اول را دارد. در آرژانتین، برزیل، اندونزی و کنیا در رتبه دوم قرار دارد. اینها شامل تمرکز بر ایجاد شغل، مهار تورم، تغییر اولویت‌های مخارج دولت و موارد دیگر است.

گاهی اوقات، مردم یک پیوند بین اقتصاد و دموکراسی ترسیم و پیشنهاد می‌کنند بهبود وضعیت اولی، دومی را بهبود می‌بخشد. به عنوان مثال، یک زن در اندونزی گفت: «شرایط اقتصادی را بهبود بخشید تا اطمینان حاصل شود که دموکراسی به خوبی پیش می رود.» مردم همچنین القا می‌کردند که برآورده شدن نیازهای اساسی پیش‌درآمدی برای عملکرد دموکراسی آنهاست. یک مرد آفریقای جنوبی خاطرنشان کرد که دموکراسی در کشورش بهتر عمل می‌کند اگر دولت «اشتغال بیشتری برای جوانان ایجاد کند، جاده‌ها را درست کند و به ما آب بدهد. آنها باید مشکل برق را هم برطرف کنند.» مردی در هند گفت: «در دموکراسی نیاز به توسعه وجود دارد.»

درواقع، سیاست‌ها و قوانین خاص -به ویژه بهبود زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها، بیمارستان‌ها، آب، برق و مدارس- دومین موضوع ذکر شده در برزیل، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی است. برخی از پاسخ‌دهندگان لیستی از سیاست‌هایی ارائه می‌دهند که نیاز به توجه دارند، مانند یک زن برزیلی که خواستار «بهبود مراقبت‌های بهداشتی، کنترل مصرف مواد مخدر، امنیت بیشتر برای جمعیت و بهبود وضعیت مردم در خیابان‌ها شد.»

تفاوت اولویت‌ها در کشورهای با درآمد بالا و متوسط

فراتر از اصلاحات اقتصادی، سایر تغییرات در شرایط زندگی نیز در برخی از کشورهای با درآمد متوسط مورد بررسی قرار گرفته است:

در آفریقای جنوبی و نیجریه، هر دو کشور با درآمد متوسط، اشاره به اصلاحات اقتصادی بیشتر به مشاغل مرتبط است. در سایر کشورهای پردرآمد، درخواست‌ها برای تغییر اقتصادی عموما به موضوعات اقتصادی دیگر مانند تورم و اولویت‌های مخارج دولت اشاره دارد. وقتی موضوع پول در سیاست مطرح می‌شود، پاسخ‌دهندگان در کشورهای با درآمد متوسط معمولا فساد را بیشتر از کشورهای با درآمد بالا ذکر می‌کنند. کسانی که در کشورهای پردرآمد هستند تمایل دارند به طور گسترده‌تری علایق ویژه را مطرح کنند. مردم در کشورهای با درآمد متوسط نیز بیشتر بر مسائل مربوط به امنیت عمومی -از جمله کاهش جرم و جنایت و حمایت از اجرای قانون- نسبت به کشورهای با درآمد بالا تمرکز می‌کنند. به نوبه خود، مردم در ۱۶ کشور پردرآمد مورد بررسی تمایل بیشتری به اصلاح احزاب سیاسی، دموکراسی مستقیم (مثل همه‌پرسی)، اصلاحات دولتی و اصلاحات رسانه‌ای دارند تا آنهایی که در هشت کشور با درآمد متوسط هستند.

نقشه راه این پروژه تحقیقاتی

یکی دیگر از راه‌های فکر کردن در مورد آنچه مردم معتقدند به بهبود دموکراسی آنها کمک می‌کند، تمرکز بر سه موضوع است؛ نیازهای اساسی که می‌توان به آنها پرداخت، بهبود سیستم و بازنگری کامل سیستم. مرکز پیو این مضامین را در مقاله داده‌های تعاملی خود بررسی کرده است که در ادامه به این مواد اشاره شده است.

رفع نیازهای اساسی

برای برخی، این حس وجود دارد که دموکراسی خوب مبتنی بر برآورده شدن نیازهایشان است و این به ویژه در کشورهای با درآمد متوسط که مورد بررسی قرار گرفته صادق است. برای مثال، یک زن در اندونزی بر نیاز به «بهبود شرایط اقتصادی برای اطمینان از پیشرفت دموکراسی» تاکید کرد. برخی دیگر مشاغل، مدیریت تورم، مراقبت از فقرا، دستمزدهای قابل زندگی، اصلاحات اتحادیه‌ها و موارد دیگر را برجسته می‌کنند.

زیرساخت نیز یک تمرکز کلیدی است. مردی در نیجریه خاطرنشان کرد: «وقتی آموزش، جاده‌ها، بیمارستان‌ها و آب کافی در دسترس باشد، می‌توانم بگویم دموکراسی بهبود خواهد یافت.» در آفریقای جنوبی، در بحبوحه ماه‌ها خاموشی برق ، یک زن گفت: «دولت باید از کشور در ارائه خدمات حمایت کند. ما مردم فقیر هیچ سودی نمی‌گیریم. مشکل برق باید حل شود.» در هند، سیاست‌های کشاورزی نیز توجه را به خود جلب می‌کند. هم اولویت دادن به کشاورزی و هم اجرای تغییرات سیاستی خاص، مانند کاهش قیمت بذر یا کاهش وام‌های کشاورزان.

و برخی افراد بر لزوم کاهش جرم و جنایت و افزایش ایمنی به ویژه برای زنان توسط دولت تاکید می‌کنند. یک زن در مکزیک به دولتش پیشنهاد کرد که «به آنچه نیاز دارند توجه بیشتری داشته باشد؛ حمایت از زنانی که از خشونت، تجاوز جنسی یا بدرفتاری رنج می‌برند.»

بهبود سیستم

رفع رویگردانی از دموکراسی برای بسیاری از پاسخ‌دهندگان به بهبود سیاستمداران، تغییر رفتار شهروندان و تضمین اجرای عادلانه قوانین مربوط می‌شود. در اکثر کشورها، سیاستمداران متفاوت یا بهتر -خواه آنها نماینده بیشتری از جمعیت باشند، صلاحیت بیشتری داشته باشند یا پاسخگوتر باشند- متداول‌ترین تغییر درخواستی است. یک زن استرالیایی خواستار «سیاستمداران جوان‌تر و کسانی که از جوامع طبقه کارگر هستند و در درک نحوه زندگی افراد کمتر ثروتمند واقع‌بین هستند» شد. یک زن کنیایی گفت دموکراسی بهبود خواهد یافت اگر «رهبران به نظرات کنیایی‌ها گوش دهند و رفاه کشور را مقدم بر خود قرار دهند.»

برخی تاکید می‌کنند که چگونه خود شهروندان می‌توانند تغییر کنند. این شامل فراخوان‌های عمومی برای مهربانی، وحدت و احترام و درخواست برای پایان دادن به درگیری‌های اجتماعی خاص است - مانند مورد یک مرد صهیونیست که خواستار تفاهم «بین افراد مذهبی و سکولار» شد. دیگران نیاز مردم را برای انجام کارهای بیشتر می‌بینند. برخی بر اجرای عادلانه‌تر قوانین و حقوق موجود تمرکز می‌کنند. برای مثال، تعدادی از مردم به‌طور گسترده از رهبران می‌خواهند که «از قانون اساسی

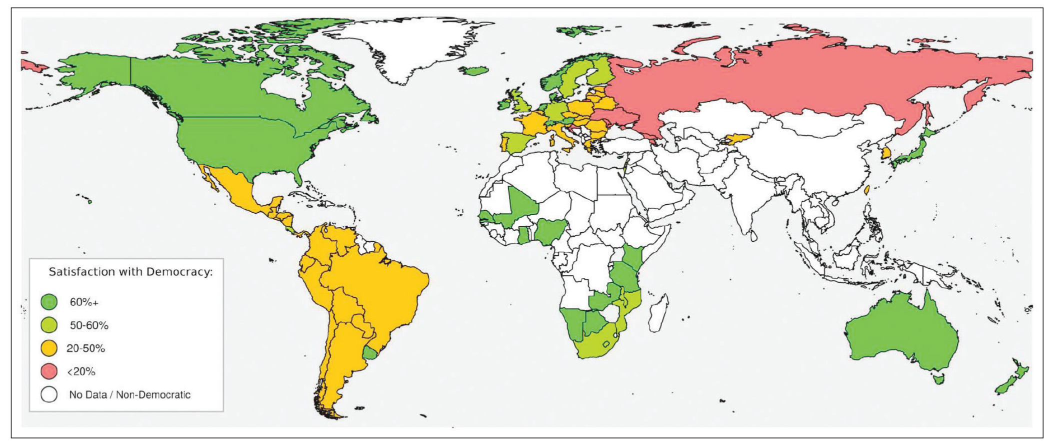

رضایت از دموکراسی در دهه ۱۹۹۰

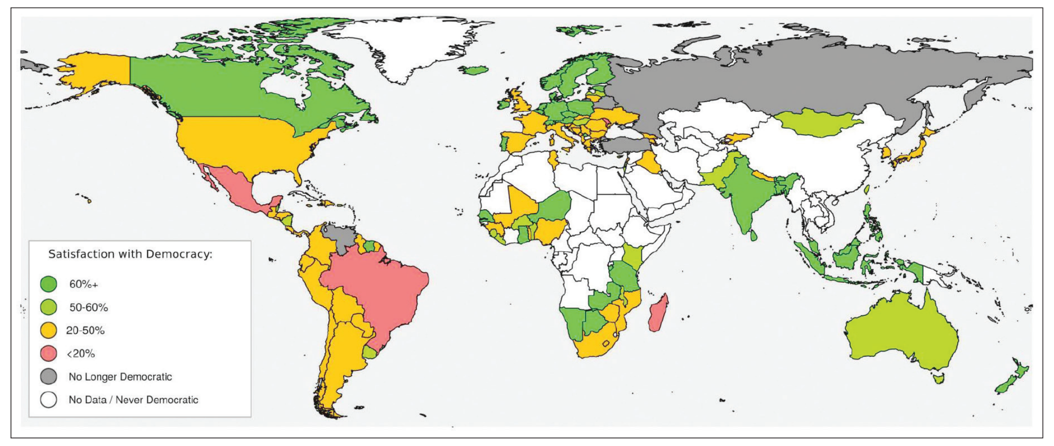

رضایت از دموکراسی در سال ۲۰۱۹

ادامه در صفحه ۱۵

پیروی کنند»، درحالی‌که برخی دیگر بر عدم اجازه دادن به رهبران متهم به جنایت برای کاندیداتوری تاکید می‌کنند. رفتار یکسان با همه -چه به‌طور کلی و چه از نظر گروه‌های قومی، نژادی یا مذهبی خاص- نیز موضوعی غالب در برخی کشورهاست. یک زن فرانسوی «برابری بیشتر بین مردان و زنان، ادغام بهتر مهاجران، ریشه‌کنی فقر و حذف آزار کودکان و حیوانات» را به‌عنوان ابزاری برای بهبود دموکراسی پیشنهاد کرد.

بازنگری سیستم

برای برخی، تغییرات اساسی برای بهبود دموکراسی مورد نیاز است. اینها می‌توانند تغییرات بسیار خاص کشور باشد، مانند لغو مجلس اعیان در بریتانیا، تغییر قدرت مناطق خودمختار در اسپانیا یا تجدید نظر در ماده ۴۹٫۳ در فرانسه. برخی دیگر بر نیاز به تغییر اندازه برخی نهادها (مانند قوه مقننه)، توازن قدرت بین شاخه‌ها یا سطوح دولت، یا اعمال محدودیت‌های سختگیرانه‌تر تمرکز می‌کنند. اصلاح سیستم قضایی خواه با جایگزینی قضات در دادگاه قانون اساسی در لهستان، تغییر نحوه انتصاب قضات در اسپانیا یا افزودن محدودیت‌های دوره به دادگاه عالی ایالات متحده نیز یک اولویت است. در سرزمین‌های اشغالی جایی که این نظرسنجی در جریان موجی از اعتراضات علیه اصلاحات قضایی (و قبل از حمله حماس در ۷ اکتبر) انجام شد خواستار «تضعیف دیوان عالی دادگستری به دلیل مضر بودن آن برای دموکراسی» و همچنین حفظ استقلال دادگاه است.

نحوه برگزاری انتخابات نیز نگران‌کننده است زیرا بسیاری پیشنهاد تغییر به نمایندگی تناسبی یا اجرای رأی‌دهی انتخابی رتبه‌بندی یا انتخابات اول و دوم را دارند. مسائل خاص کشور مانند حذف کالج انتخاباتی در ایالات متحده، لغو روش D'hondt در اسپانیا یا افزایش آستانه انتخاباتی در هلند نیز به‌عنوان بهبود دموکراسی پیشنهاد شد. همچنین درخواست‌های گسترده‌تری برای برگزاری انتخابات بیشتر وجود دارد به‌ویژه همه‌پرسی یا طرح‌های رای‌گیری. گاهی اوقات مردم خواستار رای دادن درمورد موضوعات خاص می‌شدند، همان‌طور که یک زن در سوئد گفت: «رفراندوم بیشتر درمورد انرژی هسته‌ای، تمایلات جنسی، ناتو و اتحادیه اروپا» در موارد دیگر، مردم صرفا می‌خواستند که عموم مردم در سیاستگذاری حرف مستقیم‌تری داشته باشند، مانند مورد یک مرد استرالیایی که گفت: «دموکراسی مستقیم؛ به شهروندان اجازه دهید تا درمورد جهت‌گیری‌های مهم سیاستی کشور رای دهند.»

تضاد محبوبیت دموکراسی با رای به راست افراطی

نظرسنجی‌های مرکز تحقیقات پیو، به‌وضوح ثابت کرده‌اند که بین رویگردانی از دموکراسی و اقتصاد، پیوند مشخصی وجود دارد. چراغ دموکراسی را اقتصاد روشن نگاه داشته و الادموکراسی به‌تنهایی برای مردم مزیت به حساب نمی‌آید. از همین رو نیز با رشد شکاف طبقاتی، جریان‌های راست افراطی، در حال قدرت گرفتن هستند. اما چرا مردم در غرب و حتی کشورهای با درآمد بالا، راست‌های افراطی و به عبارت بهتر دیدگاه‌های ناسیونالیستی و اقتدارگرایانه را آلترناتیوی برای دموکراسی می‌دانند؟

۱- ناامیدی از فرآیندهای دموکراتیک: بسیاری از مردم در اروپا و آمریکا احساس می‌کنند نهادهای دموکراتیک و احزاب سنتی نتوانسته‌اند به‌طور موثر به مسائل مهمی مانند نابرابری اقتصادی، مهاجرت و امنیت ملی رسیدگی کنند. این ناکارآمدی درک‌شده منجر به سرخوردگی و جست‌وجو برای راه‌حل‌های جایگزین می‌شود. احزاب راست افراطی به‌ویژه با مخالفت‌شان با مساله مهاجران تا حدودی توانسته‌اند به بخشی از بحران پاسخ دهند و از این رو مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۲- پاسخ کند به بحران‌ها: فرآیندهای دموکراتیک می‌تواند کند و دست‌وپاگیر باشد، به‌ویژه در مواقع بحران. در مقابل، رهبران ملی‌گرا اغلب وعده اقدام سریع و قاطع را می‌دهند و برای کسانی که از تأخیرهای بروکراتیک و بن‌بست سیاسی ناامید شده‌اند، محبوبند.

۳- نابرابری و رکود اقتصادی: افزایش نابرابری اقتصادی و رکود دستمزدها باعث شده بسیاری از مردم از نظر اقتصادی احساس ناامنی و بی‌حقوقی کنند. احزاب ملی‌گرا اغلب قول می‌دهند که از صنایع و مشاغل داخلی محافظت کنند. آنها نارضایتی‌های ناشی از جهانی شدن که منجر به از دست دادن مشاغل و جابه‌جایی اقتصادی در بخش‌های خاص شده را درک می‌کنند و خود را به‌عنوان مدافعان اقتصاد ملی در برابر نیروهای جهانی قرار می‌دهند.

۴- اطلاعات نادرست و تبلیغات: انتشار اطلاعات نادرست و تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند احساسات ناسیونالیستی را تقویت کند. پلتفرم‌های اجتماعی اغلب محتوای هیجان‌انگیز و تفرقه‌انگیز را تبلیغ می‌کنند که می‌تواند ترس‌ها را برانگیزد و دوقطبی‌سازی را تشدید کند. الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی اتاق‌های پژواک ایجاد می‌کند که در آن کاربران عمدتا در معرض اطلاعاتی قرار می‌گیرند که باورهای قبلی آنها را تقویت می‌کند و دیدگاه‌های ملی گرایانه را بیشتر تقویت می‌کند.

۵- میل به رهبری قوی: در مواقع بحرانی رای‌دهندگان ممکن است تمایل بیشتری به حمایت از رهبرانی داشته باشند که وعده رهبری قدرتمند و مقتدرانه را می‌دهند، حتی به قیمت تضعیف هنجارها و نهادهای دموکراتیک.

آیا دموکراسی در عمل شکست خورده است؟

گر چه ظهور جنبش‌های راست افراطی و ناسیونالیستی، نشانه‌ای از نارضایتی گسترده از عملکرد کنونی نظام‌های دموکراتیک است و نه رد کامل دموکراسی اما برای بازگرداندن اعتماد به دموکراسی، چالش‌های مهمی وجود دارد که باید رفع شوند. اولین مورد برای تقویت دموکراسی کاستن از نابرابری‌های اقتصادی است. دموکراسی‌ها باید به نابرابری‌های اقتصادی توجه کنند و از اینکه مزایای رشد اقتصادی به‌طور گسترده‌تر به اشتراک گذاشته می‌شود، مطمئن شوند. شش سال پیش فرانسیس فوکویاما در گفت‌وگویی که با عنوان «فرانسیس فوکویاما: سوسیالیسم باید بازگردد» در وب‌سایت «newstatesman» منتشر شده، در پاسخ به این سوال که «احیای مجدد چپ سوسیالیست در انگلستان و آمریکا را چگونه می‌بیند؟» از ضرورت بازگشت به سوسیالیسم سخن گفت: «در شرایط فعلی به نظر می‌رسد برخی چیزهایی که مارکس گفته، درست از آب درآمده است؛ او درباره بحران تولید مازاد هشدار داده بود که فقیر شدن کارگران و تقاضای ناکافی را به دنبال خواهد داشت.» در مجموع می‌توان گفت که آینده دموکراسی در مقابل اقتدارگرایی احتمالا با چگونگی واکنش نهادهای دموکراتیک به چالش‌هایی که با آن روبه‌رو هستند شکل خواهد گرفت. اگر دموکراسی‌ها بتوانند به‌طور موثر نابرابری اقتصادی، قطبی‌سازی سیاسی، بی‌اعتمادی نهادی و سایر مسائل مهم را برطرف کنند، می‌توانند محبوبیت خود را حفظ کرده و حتی افزایش دهند. با این حال اگر این چالش‌ها به اندازه کافی مورد توجه قرار نگیرند جذابیت اقتدارگرایی ممکن است همچنان افزایش یابد.

بسیاری از مردم در سراسر جهان از عملکرد دموکراسی ناراضی هستند

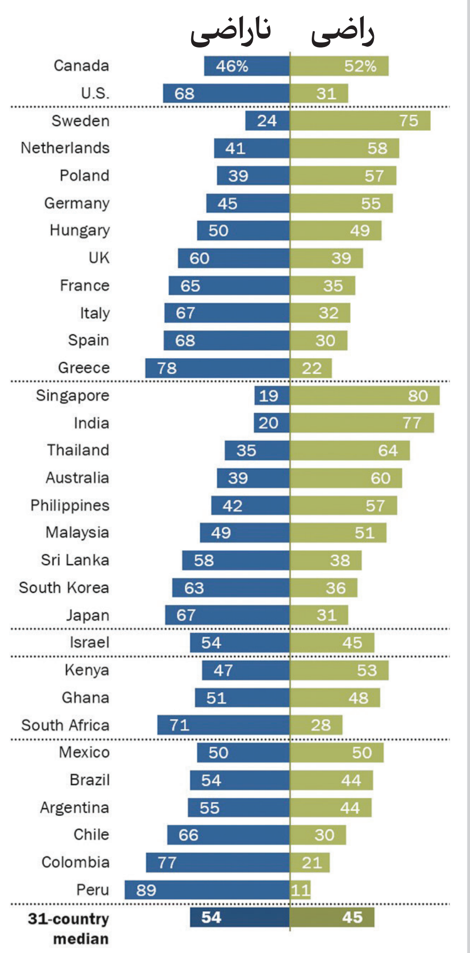

کاهش رضایت از دموکراسی از سال ۲۰۲۱

درصدی که از نحوه عملکرد دموکراسی در کشور خود راضی هستند

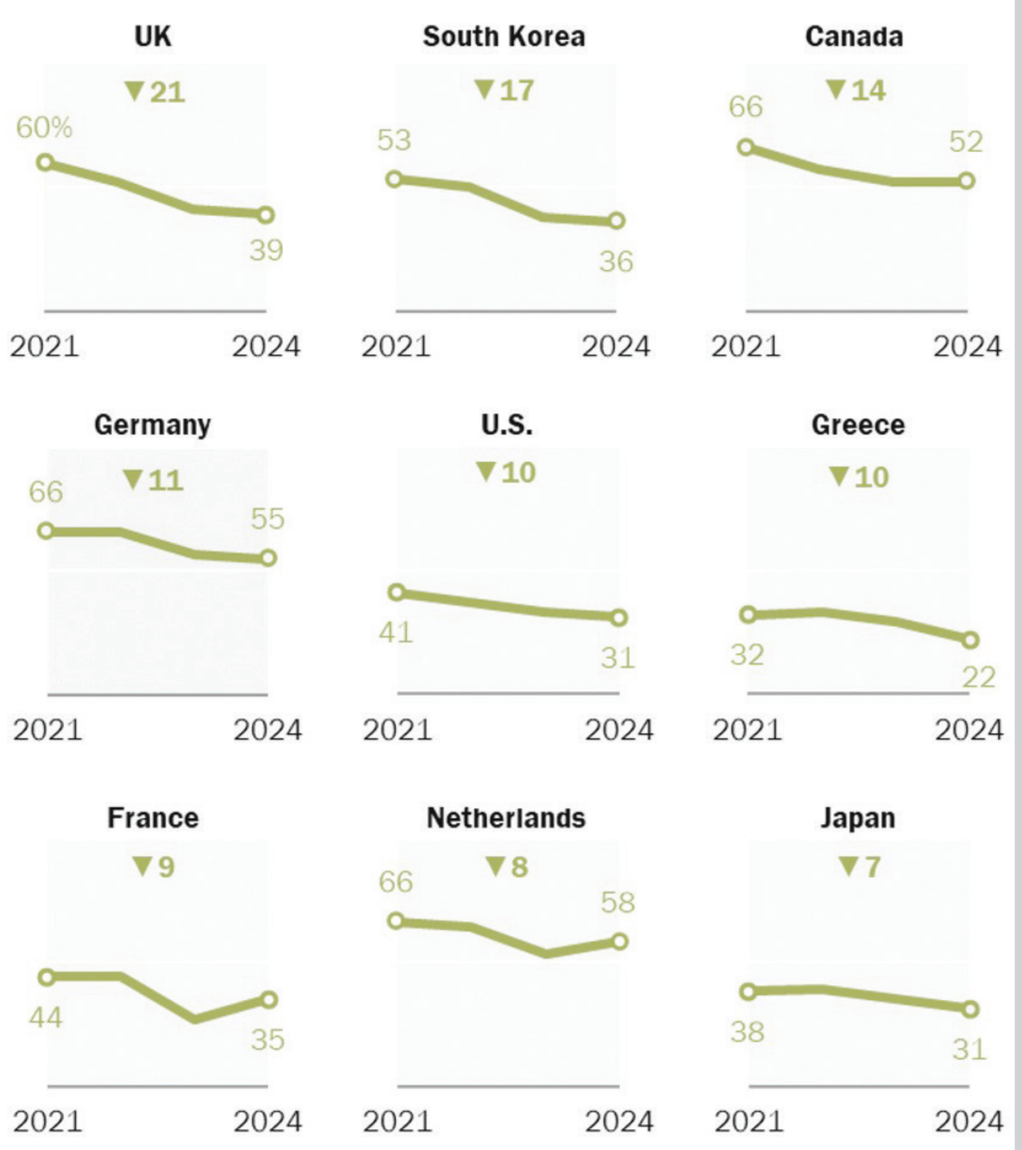

توجه: فقط تفاوت‌های آماری معنی‌دار از سال ۲۰۲۱ نشان داده شده است

رضایت از دموکراسی در ۱۲ کشور پردرآمد، در سال‌های اخیر سقوط کرده است

درصد کسانی که با روشی که دموکراسی در کشورشان کار می‌کند موافق هستند

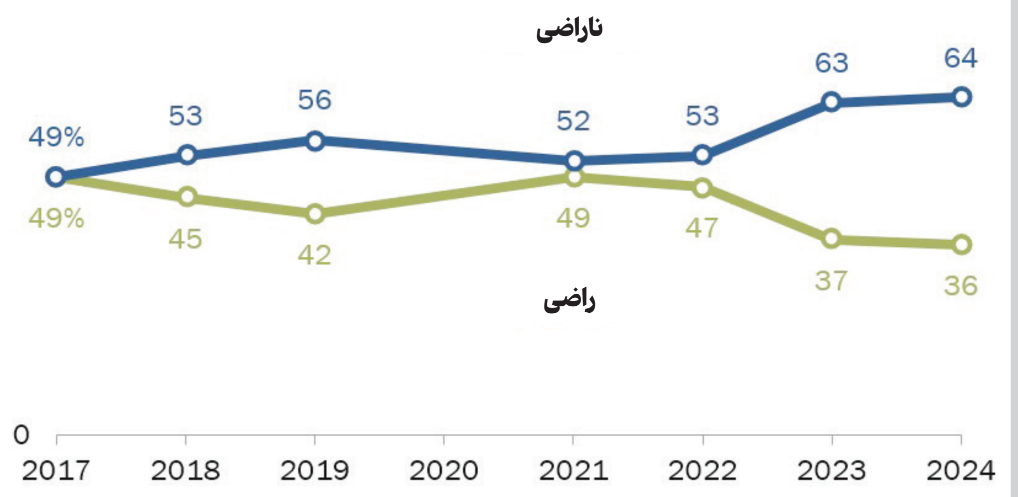

وحید کشافی‌نیا، معاون افکارسنجی ملت در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

تحلیل خطای نظرسنجی‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

نظرسنجی‌ها در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، در تعیین میزان مشارکت، اختلاف معناداری با واقعیت داشتند. از این رو پس از پایان انتخابات و اعلام میزان مشارکت، پرسش درباره نظرسنجی‌ها در ایران جدی‌تر شد. یکی از مراکز نظرسنجی در ایران، مرکز افکارسنجی ملت متعلق به مرکز پژوهش‌های مجلس است که از سال ۱۳۹۹ با هدف بازتاب دیدگاه‌ها و نظرات مردم به نمایندگان مجلس و سایر دستگاه‌های حکومتی شروع به کار کرد. ماموریت اصلی این موسسه ارائه پیوست افکار عمومی برای طرح‌ها و لوایح مهمی است که با زندگی روزمره مردم ارتباط مستقیم دارد و دیدگاه مردم درباره آنها حائز اهمیت است. درباره این مرکز و بررسی‌های آن با وحید کشافی‌نیا، معاون افکارسنجی این مرکز گفت‌وگو کرده‌ایم. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

* * *

فکر می‌کنید نتایج افکارسنجی‌های شما چقدر در تصمیمات نمایندگان مجلس تاثیر داشته است؟

درباره تاثیرگذاری این نتایج به‌سادگی نمی‌توان اظهارنظر کرد. به‌هرحال داده‌های افکارسنجی تنها یکی از منابع تصمیم‌گیری نمایندگان است. منابع و عوامل بسیاری در اخذ یک تصمیم اثرگذارند. فراموش نکنیم که فرهنگ پذیرش افکارسنجی و به‌رسمیت شناختن نتایج آن در سال‌های اخیر بهتر شده است. من درطول سال‌های اخیر، از نزدیک شاهد تغییر دیدگاه مسئولان دربرابر نتایج افکارسنجی‌ها بودم. ما کم‌کم داریم از خوانش سطحی نتایج افکارسنجی‌ها به بهره‌برداری راهبردی و عملیاتی از این نتایج می‌رسیم. افرادی را می‌شناسم که چندسال پیش به‌هیچ‌وجه پذیرای افکارسنجی نبودند و به آن به‌مثابه یک موضوع درجه چندم یا پیشگویی سطحی نگاه می‌کردند اما امروز پیگیر نتایج هستند. می‌توان گفت علی‌رغم تمام نقدها، حتی منتقدان سرسخت افکارسنجی هم بر سر بزنگاه‌های سیاسی یا اجتماعی مهم، گوشه چشمی به نتایج نظرسنجی‌ها دارند.

منتقدان افکارسنجی‌ها چه کسانی هستند و استدلال‌های آنها چیست؟

به‌هرحال افکارسنجی هم مانند هر حوزه علمی و شناختی دیگر، مدافعان و مخالفانی دارد. برخی مخالفت‌ها از عدم‌آشنایی با علم آمار و روش تحقیق ناشی می‌شود، مثلا بعضی‌ها به ما می‌گویند چطور می‌توانید با هزارنفر حجم نمونه، نظر کل جامعه را تخمین بزنید؟ حداقل باید با ۱۰ میلیون نفر مصاحبه کنید تا ما نتایج شما را باور کنیم! واضح است عده‌ای که اینطور فکر می‌کنند با علم آمار و پیمایش آشنا نیستند. در پیمایش دقت و معرف‌بودن نمونه مهم است. دسته دوم مخالفت‌ها از سوی کسانی مطرح می‌شود که نتایج نظرسنجی‌ها به مذاق آنها خوش نمی‌آید. اینجا منافع فردی یا جناحی به‌میان می‌آید که نمی‌خواهم وارد آن شوم. به حد کافی گویاست. دسته سوم مخالفان مدافعان سرسخت حوزه‌های علمی جدید مثل علوم شناختی، داده‌کاوی، علوم اجتماعی محاسباتی، هوش مصنوعی و... هستند که معتقدند پیمایش دیگر یک روش سنتی، منسوخ و از مد افتاده است، مثلا یکی از این افراد می‌گفت وقتی ابزارهای هوشمندی مثل چت جی‌بی‌تی به وجود آمده‌اند چه نیازی به مراجعه مستقیم به آرای مردم داریم؟ اگرچه نمی‌توان منکر سودمندی این روش‌ها و ابزارهای جدید شد اما همگی آنها معایبی دارند که باعث شده‌اند در دنیا همچنان پیمایش -ولو در شکل سنتی- همچنان رایج باشد و نتایج آن معتبر تلقی شود.

شما چطور درباره اعتبار افکارسنجی‌ها صحبت می‌کنید، درحالی‌که ما در دور اول انتخابات اخیر شاهد بودیم اکثر موسسات داخلی در برآورد نرخ مشارکت و میزان رای نامزدها دچار خطای فاحش شده‌اند؟

من اینجا به‌دنبال دفاع از مراکز افکارسنجی و در راس آنها خودمان، یعنی افکارسنجی ملت نیستم و می‌پذیرم که در افکارسنجی ملت در موج آخر که ۶ و ۷ تیرماه اجرا شد، هرچند نزدیک‌ترین برآورد به نرخ واقعی مشارکت را در مقایسه با سایر مراکز معتبر ارائه کرده بودیم و پیش‌بینی ما از ترتیب نامزدها براساس میزان رای و دومرحله‌ای شدن انتخابات درست بود، حدود ۸ درصد خطا در برآورد نرخ مشارکت داشته‌ایم. درباره علل این خطا، در روزهای اخیر افراد مختلفی بحث کرده‌اند. نمی‌خواهم دوباره علل را مرور کنم اما می‌خواهم بگویم اولا بدون تردید باید روش‌شناسی مراکز افکارسنجی دائما نقد و بررسی شود و توسعه پیدا کند. در اینجا بیشتر شدن ارتباطات علمی بین مراکز مختلف و تشریک مساعی می‌تواند موثر باشد. ما در افکارسنجی ملت در بخش تحقیق و توسعه همواره درحال ارتقای روش‌های گردآوری و تحلیل داده هستیم، مثلا اخیرا رفتیم به سمت استفاده از تکنیک مصاحبه‌های شناختی در طراحی پرسشنامه و گزارش آن را منتشر کردیم، حتی پس از دور اول انتخابات هم یک پیمایش در بین کسانی که در آخرین موج شرکت کرده بودند، اجرا کردیم تا منابع خطا را شناسایی کنیم.

دوم اینکه باید در راه‌اندازی مراکز افکارسنجی که عموما وابسته به نهادهای دولتی هستند، دقت و نظارت بیشتری بشود و حتما افراد متخصص و باتجربه در این مراکز به کار گرفته شوند. برخلاف اینکه درظاهر به نظر می‌رسد اجرای افکارسنجی کار ساده‌ای است، اما در واقعیت این کار به‌شدت پیچیده و پر از جزئیات ظریف است.

نکته سوم اینکه اگر بخواهیم غیرمغرضانه علل این اختلاف را آسیب‌شناسی کنیم باید این پرسش را مطرح کنیم که چرا در انتخابات مجلس اغلب این مراکز برآورد درستی داشته‌اند اما در انتخابات ریاست جمهوری خطای این مراکز زیاد بوده و به این فکر کنیم که شاید عواملی خارج از خطاهای رایج پیمایش درکار بوده‌اند.

چه عواملی مثلا؟

اولا فضای سیاسی حاکم بر این دوره از انتخابات ریاست جمهوری خاص بود. به علت شهادت رئیس جمهور و همراهان‌شان در سانحه سقوط هلی‌کوپتر در اواخر اردیبهشت ماه، جامعه و نخبگان سیاسی در شوک به سر می‌بردند. فاصله زمانی بین این اتفاق تا روز برگزاری انتخابات حدود ۴۰ روز بود. جالب اینجاست در اولین موج پیمایش که توسط افکارسنجی ملت در ۶ تا ۹ خردادماه ۱۴۰۳ اجرا شد، حدود ۵۳ درصد مردم گفتند قطعا در انتخابات شرکت خواهند کرد. به‌تدریج با دور شدن از سانحه سقوط هلی‌کوپتر و داغ‌تر شدن فضای سیاسی انتخابات، انتظار ما این بود که نرخ مشارکت افزایش یابد اما در موج‌های بعدی این نرخ در حد معناداری کاهش یافت. همین مساله، برآورد نرخ مشارکت را برای مراکز افکارسنجی دشوار کرده بود. درواقع در برخی موج‌های انتخاباتی، رفتار جامعه با الگوهای موردانتظار یا تجربیات گذشته ما همخوانی نداشته و همین مساله پیش‌بینی را دشوار کرده بود، حتی برخی نخبگان سیاسی نیز کم‌وبیش در فضای تردید و ابهام به سر می‌بردند.

دومین عامل را می‌توان فضای سرد حاکم بر مناظره‌های سیاسی دانست. قبل از مناظره‌ها انتظار داشتیم با شروع مناظره‌ها نرخ مشارکت افزایش یابد اما به نظر می‌رسد در این دوره از انتخابات بنابر علل متعددی، چنین اتفاقی نیفتاد و شور انتخاباتی برانگیخته نشد. این نیز ازجمله عواملی بود که با الگوی‌های پیشین ناسازگار بود. درواقع به جز موج اول که با فاصله اندکی از سانحه سقوط هلی‌کوپتر رئیس جمهور و همراهان اجرا کردیم، در سایر موج‌ها نرخ مشارکت یک خط مستقیم حول عدد ۴۵ درصد در نوسان بود. به‌طوری‌که در موج یکی مانده به آخر (موج چهارم) برآورد ما از نرخ مشارکت حدود ۴۵ درصد بود.

به جز این مورد، علل دیگری هم می‌توان برشمرد؟

بله، در موج آخر پیمایش ما، ۲۵ درصد از پاسخگویانی که گفته بودند قطعا در انتخابات شرکت می‌کنند، در انتخاب نامزد مردد بودند. نتایج تحقیقات ما پس از دور اول انتخابات نشان داد رفتار رای‌دهی این عده از پاسخگویان به دو شکل بوده است. یک عده در انتخابات شرکت کرده‌اند اما تردید آنها در انتخاب نامزد مطلوب تا پای صندوق پابرجا بود. این عده تاثیر زیادی در تغییر درصد آرای نامزدها داشتند. به‌ویژه ما در برآورد رای دو نامزد یعنی آقایان جلیلی و قالیباف دچار خطا شدیم. دسته دوم از این افراد کلا در انتخابات شرکت نکرده‌اند. این عده، تاثیر قابل‌توجهی بر نرخ مشارکت داشته‌اند. درواقع تردید آنها به‌قدری زیاد شده بود که کلا از شرکت در انتخابات منصرف شدند. تحلیل من این است که گمانه‌زنی‌ها درباره ائتلاف بین نیروهای جبهه انقلاب، بخش قابل‌توجهی از افرادی را که می‌خواستند در انتخابات شرکت کنند تا روز قبل از برگزاری انتخابات در وضعیت بلاتکلیفی قرار داده بود و در روز جمعه، پس از عدم اجماع، برخی از آنها از شرکت در انتخابات منصرف شدند.

ادامه از صفحه ۱۴